

انیکت

میز اردور، جایی که خویشتن داری واجب می شود!

سالاد و شیرینی جات، پیش غذا و دسر و هر آن چه فکرش را بکنید روی میز اردور پیدا می شود. ممکن است خوراکی هایی را که خیلی هوس کرده اید و مدت هاست نخورده اید، آن جا ببینید و دوست داشته باشید از همه اش بچشید. میز اردور بیشتر در مهمانی ها و مجالس عروسی قبل از شام چیده و معمولاً دوروبرش شدیداً شلوغ می شود چون همه می خواهند ناخنکی به همه خوراکی ها بزنند. مهمان ها از نبردی که سر میز اردور برقرار است با دستی پر برمی گردند. بشقاب بعضی ها شبیه یک کوه رنگارنگ از خوراکی های مختلف می شود که گوشه و کنارش چند ژله در حال لرزیدن هستند. خب برای خوراکی های میز اردور بشقاب های مخصوصی وجود دارد و نباید همه چیز را روی هم و در بشقاب های بزرگی که ویژه غذا خوردن است ریخت. بشقاب های کوچک تر می توانند برای سبزیجات، سالاد و انواع دسر استفاده بشوند و کاسه های کوچک برای انواع ماست و سالاد شیرازی. سالاد ما کارونی کنار شیرینی های خامه ای و ماست و خیار واقعا ظاهر خوبی ندارد و ممکن است حال مهمان های سر میزتان را به هم بزند. سعی کنید اگر خوراکی های مورد علاقه تان خیلی متنوع است دو ظرف جداگانه انتخاب کنید تا اشتباهی اطرافیان تان را کور نکنید. به ندای درون تان که می گوید همه اش خوشمزه است و خورده می شود، گوش ندهید و کمی جا برای غذای اصلی نگه دارید. شما قرار است کوه خوراکی درون بشقاب تان را سر میزی ببرید که کلی مهمان دیگر هم نشستند و پس به آن لحظه ای فکر کنید که تعداد بشقاب های جلوی شما به اندازه کل بشقاب هایی که مهمان های دیگر برداشته اند، نباشد.

برونده های مجهول

رادیویی که برای فضایی ها برنامه پخش می کند

فاطمه قاسمی | مترجم

در نزدیکی سن پترزبورگ، در زمینی باتلاقی، دروازه آهنی بزرگ و زنگنه های دیده می شود که پشت آن تعدادی برج رادیویی، ساختمانی متروکه و دکل های برقی قرار دارد که با دیواری سنگی پوشیده شده اند. هیچ کس نه نام این ایستگاه رادیویی را می داند، نه سازنده اش را می شناسد و نه گرداننده آن معلوم است. هیچ رفت و آمدی به این ساختمان نمی شود اما در ۴۰ سال گذشته، در تمام طول شبانه روز صدایی

از وزوز کن، به شوروی! به گوش!

داستان های زیادی درباره این ایستگاه رادیویی بر سر زبان هاست که برخی از آن ها با علم و منطق فاصله دارند. از مخابره اطلاعات بازبر دریایی ها گرفته تا ارتباط با موجودات فضایی.

«دیوید استاپل» ، متخصص شود الکترونیک، می گوید: «تا امروز این سیگنال ها هیچ اطلاعات و اضحی نشان نداده اند». خب از آن جایی که نظر آقای استاپلز کمکی به حل ماجرا نمی کند، برویم سراغ بقیه ادعاها. برخی می گویند در این مکان، رازی از دوران جنگ سرد نهفته است و معتقدند این ایستگاه به ارتش روسیه تعلق دارد که بعد از پایان جنگ، فعالیتش نه تنها متوقف نشد بلکه بیشتر هم شد. این گروه، ایستگاه رادیویی رموز را با سیستم «دست مرده» که شوروی سابق در دوره جنگ سرد راه اندازی کرد، مرتبط می دانند و معتقدند در صورت حمله اتمی، صدای وزوز این شبکه رادیویی قطع می شود و موشک های قاره پیما ی روسیه به طور خود کار پرتاب خواهند شد.

دست مرده، سیستمی کامپیوتری بود که با تحلیل امواج رادیویی، تشعشعات رادیواکتیورا تشخیص می داد، روس ها البته هرگز این ادعا را تأیید نکردند. از آن جایی که در جریان های مهم و مجهول معمولاً پای فرازمینی ها وسط کشیده می شود، عده ای این ایستگاه رادیویی را به موجودات فضایی ساکن در سیاره های دیگر ربط می دهند که البته هیچ سندی برای اثبات یاد ادعای شان در دست نیست.

باتا تازار



مریم ملی | روزنامه نگار

دکتر که می روید حتما اول می پرسد کجایت دردمی کند و چه علایمی داری ولی این دوست عزیز یعنی قرض مسکن سرش را اپایمین می اندازد و با کمی آب می رود تا اقدامات لازم را شروع کند بدون این که حتی ذره ای مرد باشد و اصلاً بداند کجای تان دردمی کند. چه اتفاقی در بدن ما می افتد که بایک قرض در دو مریضی را فراموش می کنیم؟ یک عالم سیم را تصور کنید که همگی به هم وصل هستند و فضای زیادی را اشغال کرده اند، سیستم

کمیک

رفقا سلام!
دو روز دیگه روز بزرگداشت حافظه.
اولین برخورد و انسانی خیلی هامون با جناب حافظ، تو کتاب های درسیه و اون قدر سر کلاس به معنی کلمه ها و نقش شون تاکید می کنیم که از کیف شعر بی بهره می مونیم. پیشنهادم اینه که به بهانه بزرگداشت حافظ، یه سری به دیوانش بزنیم، یه غزل ساده رو بیداکنین و دور هم بخونیدش. آگه دل تون خواست بیت محبوب تون رو برای ما هم بفرستید.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۳۳۴۰۰۰



نوجوان
روزهای فرد



یکنواخت شبیه وزوز» از آن پخش شده است. هر چند ثانیه یک بار صدایی شبیه به بوق کشتی از آن به گوش می رسد و یکی دوبار در هفته هم، صداهای گنگی که انگار به زبان روسی می گویند «قایق بادی» و «متخصص کشاورزی»، شنیده می شود. می گویند هر کس در هر جای دنیا با تنظیم موج رادیو روی فرکانس ۴۶۲۵ کیلوهرتز می تواند این صداها را بشنود. نکته جالب آن که این ایستگاه رادیویی، طرفدارانی هم دارد؛ آن ها اسمش را وزوز کن گذاشته اند و در شبکه های اجتماعی برای پایش صفحه ساخته اند و لی در دست نمی داند چرا به این صداهای عجیب گوش می دهند.

پیام هایی برای جاسوسان سر اسر دنیا

وزوز کن، تنها ایستگاه رادیویی رموز نیست؛ در سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۸ [احتمالاً] در قبرس، از ایستگاه دیگری به اسم «لینکلن شایر پوچر» صداهای وحشتناکی شنیده می شد. «لینکلن...» نام یک آواز محلی انگلیسی است و این ایستگاه در زمان فعالیتش، هر یک ساعت چند خط اول این آواز را ۱۲ بار پشت سر هم پخش می کرد. بعد از آن هم صدای زنی شنیده می شد که با لهجه ای خاص، اعداد یک، دو، صفر، سه و شش را بیان می کرد. تکرار اعداد در ایستگاه لینکلن شایر، به روشن شدن ماجرای ایستگاه های رادیویی اسرارآمیز کمک می کند؛ «ایستگاه های موج کوتاه اعداد» رادیوهایی بوده اند که در سال های «۱۹۲۰ تا ۱۹۲۷» برای جاسوس ها در سراسر دنیا پیام می فرستاده اند. بعضی ها می گویند ایستگاه های اعداد هنوز فعال هستند با این تفاوت که امروز هر کس در هر جای دنیا می تواند پیام های آن ها را بشنود و امکان تشخیص منبع هم وجود دارد اما هنوز پیدا کردن مقصد پیام مشخص نیست و کسی نمی فهمد پیام های سری برای چه کسی یا کسانی فرستاده می شوند. شاید پسر سید حالا با وجود تلفن های همراه و اینترنت که خیلی هم سریع ترند چه نیازی به ایستگاه های اعداد است؛ باید بگوییم احتمال لورفتن به محض باز کردن پیام و ایمیل دریافتی از یک آژانس اطلاعاتی خیلی زیاد است. وزوز کن هم شاید یکی از همین ایستگاه ها باشد که سال ها بدون جلب توجه برای جاسوسان در سراسر دنیا پیام می فرستاده است.

مقاله: thevintagenews.express



عصبی بدن ما دقیقاً چنین شکلی دارد. کل این سیم ها به یک هسته مرکزی وصل می شوند که شبیه مرکز مدیریت عمل می کند، پیام هایی را که از قسمت های مختلف بدن رسیده پردازش و ترجمه می کند و می گوید که مثلاً فلان قسمت درد دارد؛ تا موقعی که این پیام ها را سال می شوند و به هسته مرکزی که در مغز قرار دارد می رسند در را احساس می کنید پس برای این که کلک در را بکنید باید جلوی رسیدن پیام ها به مغز را بگیرید. مسکن ها در واقع دزد هایی هستند که این پیام ها را از قسمت های مختلف بدن می دزدند و نمی گذارند که به دست مدیریت برسد. این اشتباه است که فکر کنید یک مسکن قرار است درد شمارا تسکین بدهد یا از بین ببرد، خیر مسکن فقط کاری می کند که آن درد شما را بی قرار نکند. وقتی سیستم عصبی تان نسبتاً بی حس و حال شد آن وقت دیگر درد را احساس نمی کنید. از طرفی وجود عصب های ریز و درشت در نقاط مختلف بدن مان واقعا یک نعمت است. فرض کنید اگر همین ها نبودند وقتی حتی برای چند ثانیه دست تان به یک قابلمه داغ می خورد متوجه نمی شدید ولی بعدش می دیدید که دست تان جزا له شده و پوستش از بین رفته است. درد خیلی وقت ها به ما هشدار می دهد که توی بدن مان چه خبر است و باید برای درمان مشکلی که داریم به فکر باشیم.

کاری



سنجایی که با دیدن دوربین ژست عکاسی را گرفت

وی

دختر درخت نشین



جولیا خیلی زود با طبیعت آشنا و رفیق شد؛ پدرش، مبلغ مذهبی بود، به همین دلیل او و خانواده اش مدام در حال سفر بودند؛ از این شهر، به آن شهر، از این روستا به آن روستا. آن ها در تمام سال های زندگی سفری شان، در یک کاروان زندگی می کردند و به طبیعت خیلی نزدیک بودند چون به دلیل شیوه خاص زیست شان فهمیده بودند طبیعت، خانه شان است و چاره ای ندارند جز احترام به آن. در سفری به جنگل، پروانه ای به سوی جولیا می آید، روی دستش می نشیند و مدت زیادی از او جدا نمی شود. این اتفاق برای دخترک، نشانه ای می شود؛ طبیعت آمده توی دست هایش، طبیعت به او اعتماد دارد. از آن به بعد، جولیا ۱۰ ساله بیشتر از قبل به حمایت و مراقبت از محیط اطرافش حساس می شود. اسمش را هم

از «جولیا لوران هیل» به «جولیا باترفلای» به معنی پروانه [هیل] تغییر می دهد. مهم ترین فعالیت های جولیا بعد از جان به در بردن از یک ساخته رانندگی شروع می شود. ۲۲ سالگی، زمانی است که او از تصادفی سخت زنده بیرون می آید و بعدش راه می افتد توی جاده های کالیفرنیا تا مراقب جنگل ها باشد. در یکی از این گشت و زنی ها جولیا تصمیم عجیب و مهمی می گیرد؛ او متوجه می شود یک شرکت راه سازی

تصمیم به پاک تراشی (کندن درختان طوری که هیچ ریشه ای در زمین باقی نماند) تعدادی از جنگل ها کرده است. «لونا»، درخت ۱۵۰۰ ساله ۵۵ متری در معرض خطر است. جولیا، از درخت بالایی رود و آن جامی ماند تا جلوی ریشه کن کردنش را بگیرد؛ این ماندن روی درخت، بیشتر از ۷۰۰ روز طول می کشد. در این مدت البته دختر پروانه ای تنها نمی ماند، گروهی او را حمایت می کنند و برایش غذای می برند. خودش هم کم راه های زنده ماندن روی درخت و مقاومت برای هدف در دست ریا دمی گیرد. شرکت راه سازی بالاخره کم می آورد، جولیا هم که دیگر با همراهی رسانه ها معروف شده است، به کمک مردم پول جمع می کند و خسارت شرکت را می پردازد.

سیگنال

راهکارهایی برای یک خرید اینترنتی مطمئن

فروش اینترنتی دارند معمولاً سیاست بازگشت کالا دارند؛ یعنی شما وقتی خریدتان به دستتان رسید و دیدید مشکلی دارد یا مثلاً رنگش با آن چه سفارش دادید یکی نیست، باید بتوانید آن را پس بفرستید و شرکت اشتباهش را بپذیرد و دوباره جنس مدنظر را برای تان ارسال کند. اگر در سایت جایی برای بازگشت کالا در نظر گرفته نشده است و هیچ توضیحی هم وجود ندارد بهتر است از آن خرید نکنید. روش بعدی این است که به آدرس سایت دقت کنید. اگر سایتی که در مرورگر خود باز می کنید آدرسش با HTTPS آغاز بشود یعنی این سایت امن نیست، عبارت اولیه در آدرس سایت باید HTTPS باشد که نشان می دهد آن سایت مورد اطمینان است. در کنار آدرس سایت در نوار آدرس مرورگر تان باید علامت یک قفل کوچک ببینید، اگر این علامت وجود نداشته باشد یعنی سایت معتبر نیست پس باز هم بهتر است از آن خرید نکنید.

حتماً برای شما هم پیش آمده است که یک وسیله یا لباس در صفحات وب دل تان را برید و با خودتان بگویید چرا که نه؟ خیلی سریع و بارمز دوم کارت اعتباری پول را واریز می کنم و در نهایت یکی، دو روز دیگر به دستم می رسد. خرید اینترنتی باعث صرفه جویی در وقت می شود و گاهی اوقات هم آزاری است برای یک دردرس بزرگ. تا حالا فکر کرده اید با چه روش هایی می شود مطمئن شد سایتی که در حال خرید از آن هستید یک سایت تبهکار و جعلی نیست؟ اولین و ساده ترین راه پیدا کردن لوگوی «نماد اعتماد الکترونیکی» در قسمت پایین سایت است؛ سایت های تجاری قابل اطمینان، این لوگو آبی را که شبیه روبان

پیچ خورده است دارند. همچنین در قسمت «تماس با ما» باید بتوانید شماره تلفن و آدرسی از آن سایت پیدا کنید، چیزی که نشان بدهد این سایت کسب و کاری واقعی دارد. سایت های معتبری که خرید



متن و اجرا:

محمدپور – مرادی

این روزها در خلوت اعضای خانواده چه می گذرد؟

